

دوفصلنامه «پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت»
سال دوم، شماره سوم - بهار و تابستان ۱۳۹۸؛ صص ۱۲۰-۱۴۲

فرهنگ «آراستگی» در قرآن و روایات با تاکید بر واژه «تجمل»

علی غضنفری^۱

لاله خوشدونی فراهانی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۱۹)

چکیده

خدواند زیباست و زیبایی را دوست دارد و در قرآن کریم به آراستگی ظاهری آسمان و زمین، آراستگی باطنی آخرت، آراستگی طبیعی زنان و آراستگی بدنی اشاره کرده‌است پس باید به آراستگی بهترین مخلوقش انسان هم متذکر شده باشد. با جمع‌آوری آیات در موضوع آراستگی و روایاتی که لفظ «تجمل» و مشتقاتش در آن‌ها به کار رفته‌است، به این نتیجه رسیده‌ایم که آراستگی متناسب با شئون انسانی از گزینه‌های مورد تاکید آموزه‌های دینی است و شایسته است مسلمانان با حفظ این شئون به آن توجه کنند. نگارنده در این پژوهش آراستگی در انسان را به سه نوع ظاهری، بدنی، باطنی تقسیم کرده و سپس به بیان مصادیق آنها پرداخته است. در ادامه تجمل‌گرایی افراطی و تجمل‌پرستی مذمت شده و آیات قرآن و روایات در این باره احصاء و تبیین شده است. در پایان اعتدال و میانه‌روی در انتخاب و استفاده از لباس زیبا و متناسب، به کار بردن انواع عطرها و بوهای خوش توصیه شده‌است. طبعاً معیار آراستگی دینی دور بودن از اسراف و تبعات سوء اجتماعی خواهد بود. البته مصادیق آراستگی باطنی که ایمان و تقوا است و بی‌تردید تأثیر مهم در زندگی دارد مطرح شده‌است. نتیجه این پژوهش عیان ساختن توجه قرآن و حدیث به تجمل مشروع است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، فرهنگ اسلامی، آراستگی، تجمل، آراستگی در قرآن و روایات، تجمل در روایات.

^۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم ali@qazanfari.net

^۲. کارشناس ارشد علوم قرآنی khoshdooni2010@gmail.com

مقدمه

میل به زیبایی و جمال از امیال فطری بشر است و اسلام به عنوان کامل‌ترین و آخرین دین الهی به آن اهمیتی ویژه می‌دهد. در مورد جایگاه آراستگی همین جملات کافی است که خداوند متعال در قرآن کریم درباره آراستگی ظاهری آسمان‌ها و زمین می‌فرماید: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم) (صافات/۶) و «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيُنبَأُ بِهِمُ أَحْسَنُ عَمَلًا» (در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند) (کهف/۷).

در مورد آراستگی بدنی می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (یکی از آن دو [دختر] گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی: هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است) (قصص/۲۶) و «و قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (پیامبرشان گفت: «در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و [نیروی] بدن بر شما برتری بخشیده است) (بقره/۲۴۷).

در مورد آراستگی طبیعی زنان می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ...» (و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهای‌شان را جز برای شوهران‌شان یا پدران‌شان...») (نور/۳۱).

در مورد آراستگی باطنی و نفسانی در آیات بسیاری به متاع ارزشمند آخرت و اجر و زینت بهتر و پایدار آن و این که زینت‌های آن به خاطر پرده‌های غفلت در دنیا از نظر انسان‌ها مخفی مانده‌است و پس از مرگ و در آخرت جلوه‌گری می‌کند، اشاره شده‌است: «... أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست) (توبه/۳۸)، «وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ» (و البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می‌نمودند، بهتر است) (یوسف/۵۷)، «وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَمْ فَلَا تَعْقِلُونَ» (و قطعاً سرای آخرت برای

کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟) (یوسف/۱۰۹)، «وَ قِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» (و به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: «پروردگارتان چه نازل کرد؟» می‌گویند: «خوبی» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران) (نحل/۳۰)، «وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (و کسانی که پس از ستم‌دیگی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود) (نحل/۴۱). روایت زیر هم از این آراستگی سخن گفته‌است: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «... وَ إِنَّ لِلدُّنْيَا أُبْنَاءَ وَ لِلْآخِرَةِ أُبْنَاءَ فَكُونُوا مِنْ أُبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أُبْنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَكَلِدٍ يَتَّبِعُ بِأُمَّهُ وَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَ الْآخِرَةُ قَدْ تَجَمَّلَتْ مُقْبِلَةً وَ ...» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۱): «... و برای دنیا فرزندان نیست و برای آخرت هم فرزندان نیست، پس باشید از فرزندان آخرت نه از فرزندان دنیا، زیرا هر فرزندی پیروی از مادر می‌کند، و جز این نیست که دنیا کوچ نموده و پشت میکند و آخرت با نیکوئی روی نموده، و ...» (دیلمی، ۱۳۴۹ش، ج ۱، ص ۵۰).

خدواند زیباست و زیبایی را دوست دارد و به آسمان و زمین آراستگی ظاهری، به آخرت آراستگی باطنی، به زنان آراستگی طبیعی بخشیده و در قرآن نیرومندی را از آراستگی بدنی دانسته‌است پس شایسته است که زینت و آراستگی در بهترین مخلوقش انسان متناسب با شئون انسانی از گزینه‌های مورد تاکید آموزه‌های دینی باشد و شایسته است مسلمانان با حفظ این شئون به آن توجه کنند.

حال می‌خواهیم تاکیدات قرآن و روایات در مورد آراستگی انسان را با توجه به آراستگی در قرآن و تجمل در روایات بررسی کرده و به یک دسته‌بندی برای آن دست پیدا کنیم. ضروری است قبلاً مفاهیم اصلی بحث مورد کنکاش لغوی و اصطلاحی قرار گرفته و حدود آن واژه‌ها را ارزیابی نمائیم.

مفهوم‌شناسی

۱. فرهنگ

معنای لغوی

در بیان معنای لغوی این واژه می‌توان گفت:

نیکویی، تربیت و پرورش، بزرگی، عظمت، بزرگواری، فضیلت، وقار، شکوهمندی، حکمت، هنر، علم، معرفت، علم فقه، علم شریعت. و کتابی که محتوی لغات فارسی باشد. و فرهنگ یعنی شاخه درخت خوابانیده که پس از ریشه کردن از آنجای برآورده و در جایی دیگر نهال کنند و مجرای زیر زمین و قنات و کاریز و نام مادر کیکاوس. (نفیسی، بی‌تا، ذیل مدخل فرهنگ)

از فر، پیشوند + هنگ از ریشه ٚنگ اوستایی به معنی کشیدن. تعلیم و تربیت. عقل و خرد. کتاب لغات فارسی. شاخ درختی که در زمین خوابانیده سپس از جای دیگر سربرآورند. کاریز آب. بزرگی و سنجیدگی. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل مدخل فرهنگ)

دانش، ادب، علم، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت. و نیز به معنی کتاب لغت. (عمید، ۱۳۵۶ش، ذیل مدخل فرهنگ)

واژه **culture** از زبان کلاسیک و شاید زبان پیش کلاسیک لاتین ریشه می‌گیرد و در اصل به معنای کشت و کار یا پرورش بوده است. و این معنا همچنان در واژه‌ای چون **agriculture** به معنای کشاورزی همچنان پابرجاست. واژه کولتور در مورد جامعه‌های بشری از حدود سال ۱۷۵۰ اولین بار در زبان آلمانی به این معنا به کار رفته است. نکته دیگر مربوط به قرابت معنایی دو واژه **culture** و **civilization** می‌باشد. که هر دو از آغاز به معنای بهگشت و پیشرفت به سوی کمال را در برداشته‌اند. از نیمه قرن ۱۹ واژه فرهنگ معنای علمی تازه و ویژه‌ای به خود گرفت و معنای دستاوردهای تاریخ بشری که از طریق وراثت انتقال پذیراند، برای فرهنگ جابخوش کرد. این مسأله ابتدا در آلمان رخ‌نمایی کرد. یکی از عوامل پیدایش این مفهوم جدید پدیدآمدن مفهوم پیشرفت در تاریخ بود. در اینجا هدف اصلی، مقایسه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها برای بدست آوردن فرمول‌های کلی سیر پیشرفت در تاریخ بود. اما در عین حال می‌توان گفت که کاربرد دقیق مفهوم فرهنگ با تایلور

(انسان شناس انگلیسی) آغاز شود. لکن کند رواج می‌یابد. تا زمانی که تایلور تعریفی دقیق از فرهنگ (که آنرا دقیقا از تمدن متمایز کند) ارائه نداده بود، عمدتاً این دو واژه برای بسیاری از پژوهشگران انگلیسی هم‌معنا بود. اما در آلمان برای جداکردن این دو مفهوم از یکدیگر کوشش‌های گوناگونی شد. نخستین این کوشش‌ها فرهنگ را با قلمرو مادی فنی - اقتصادی پیوند داده و تمدن را با جنبه‌های برین توانگری‌های معنوی انسان. سرانجام در ۱۹۲۰ معنایی متفاوت از فرهنگ و تمدن ارائه شد مبنی بر اینکه تمدن را با کردارهای عینی فنی و اطلاعاتی جامع یکی دانسته و فرهنگ را با کردارهای ذهنی، مانند دین، فلسفه و هنر.. (ر.ک: آشوری، ۱۳۵۷ش، ص ۳۳-۴۵) بی- شک این تعریف از بحث لغوی خارج و وارد حیطه معنای اصطلاحی خواهد گشت.

معنای اصطلاحی

وسعت قلمرو موضوع فرهنگ باعث شده است که بیش از ۲۰۰ تعریف مختلف از فرهنگ داشته باشیم. می‌توان این تعاریف را در گروه‌های ذیل طبقه‌بندی کرد:

- تعریف‌های وصف‌گرایانه: در این دسته بر عناصر سازه‌ای فرهنگ تکیه می‌شود و چه بسا زیر نفوذ تعریف تایلور می‌باشند. (مثال: تعریف تایلور؛ فرهنگ یا تمدن... کلیت درهم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه بدست می‌آورد).

- تعریف‌های تاریخی: تکیه بر میراث اجتماعی یا فراداد است. (مثال: تعریف سایپر؛ فرهنگ، یعنی مجموعه همبسته‌ای از کردارها و باورها که از جامعه به ارث رسیده و بافت زندگی ما را می‌سازد).

- تعریف‌های هنجاری: دسته‌ای از این نوع تعریف‌ها بر قاعده یا راه و روش تکیه دارند، و دسته‌ای دیگر بر آرمان‌ها و ارزش‌ها، افزون بر رفتار تأکید می‌ورزند. (مثال: تعریف کلاکن؛ یک فرهنگ اشارتی است به راه و روش خاص یک گروه از آدمیان یا طرح کامل زندگی آنان).

- تعریف‌های روان‌شناختی: به فرهنگ همچون وسیله سازواری و حل مسأله نگاه می‌کند. (مثال: تعریف یانگ؛ فرهنگ ترکیبی است از انگاره‌ها، نگره‌ها، عادت‌های مشترک و کمابیش یکسانی که در جهت برآوردن نیازهای بازگردنده و همیشگی آدمی پرورنده شده است).

- تعریف‌های ساختاری: تکیه بر الگوسازی یا سازمان فرهنگ است. (مثال: تعریف ویلی؛ فرهنگ سیستمی است از الگوهای عادی پاسخگویی که با یکدیگر همبسته و هم‌پشت‌اند.)

- تعریف‌های تکوینی: بخشی از این تعاریف فرهنگ را همچون یک فرآورده یا ساخته در نظر می‌گیرد، و بخش دیگر بر ایده‌ها تأکید می‌ورزد و بخشی دیگر نیز بر نمادها تکیه می‌کند. (مثال: تعریف وایت؛ فرهنگ سازمانی از پدیده‌هاست، شامل اشیاء مادی، کرد و کارهای بدنی، ایده‌ها و عاطفه‌ها که عبارت است از کاربرد نمادها یا بر کاربرد نمادها تکیه دارد.)

از مجموع همه تعریف‌های فرهنگ، مردم‌شناسان تعریف ادوارد تایلور را جامع‌تر دانسته‌اند و به همین دلیل امروز شناخته شده‌ترین تعریف فرهنگ از تایلور است. (ر.ک: آشوری، ۱۳۵۷ش، ص ۶۶-۶۵)

برای گریز از گیرودار تفاوت پندارها و به دور از هرگونه تخصص‌گرایی در تعریف فرهنگ در اصطلاح، با مطالعاتی که در اکثر تعاریف انجام گشته، سعی شده است تعریفی از فرهنگ ارائه شود که تا سرحد امکان بیان جامعی از مفهوم واقعی فرهنگ باشد. با این قصد و نیت فرهنگ عبارت است از: مجموعه عقاید، سنت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌ها که دارای خصوصیات و مشخصات زیر باشد: ۱- فراگیر و مورد پذیرش عامه مردم باشد؛ ۲- برای پذیرش و قبول آن به استدلال و مجادله علمی و چون و چرا نیازی نباشد؛ ۳- محو و ایجاد آن نیازمند گذر زمان باشد؛ ۴- در یک زمان و مکان و شرایط خاص ایجاد و حادث نشده باشد؛ ۵- در بستر زایش و ایجاد، دارای علل و عوامل مختلف، گاهی متضاد باشد؛ ۶- در بین دارندگان و قائلان به آن نوعی همدلی، هم‌رنگی و الفت ایجاد کند. (اکبری، ۱۳۷۳ش، ص ۳۵).

۲. فرهنگ اسلامی

به مجموعه اعتقادات، اندیشه‌ها، اخلاقیات، ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، سنن، آداب و رسوم و عادت‌هایی که ریشه در قرآن و سنت پیامبر (ص) و پیروان راستین آن‌ها دارد، فرهنگ اسلامی گفته می‌شود. (عیوضی، تیر ۱۳۸۶، ص ۲۸) برای آشنایی بیشتر با اصول و ویژگی‌ها و تمایزات فرهنگ اسلامی به همین منبع رجوع کنید.

۳. تجمل

در زبان عربی

التَّجْمُلُ: تَكَلَّفَ الْجَمِيلَ (ابن منظور، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۲۶؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۳۴۲)؛ تَجَمَّلَ تَجْمُلًا: خود را زینت داد و آراسته شد. بر روزگار شکبیا شد و خواری را بر خود ظاهر و نمایان نساخت. به تکلف خوش خلقی نمود و شرم کرد و به زشتی ناشکیبا نشد. پیه گداخته را خورد. - فی الکلام: در سخن نرمی و مهربانی کرد. (جرّ، ۱۳۷۵ش، ذیل مدخل تجمل)؛ التَّجْمُلُ: خود را زیبا کردن، خود را آراستن (آذرنوش، ۱۳۹۰ش، ص ۹۳)؛ اسم مصدر عربی، آنچه برای افزودن بر شکوه یا زیبایی به کار می‌رود. خودآرایی. (عمید، ۱۳۵۶ش، ذیل مدخل تجمل)

در زبان فارسی

روی آوردن به امکانات کاملاً غیر ضروری که باعث اسراف و تبذیر می‌شود.

پس تجمل در فارسی به معنای روی آوردن به امکانات کاملاً غیر ضروری، ناپسند و موجب تفاخر و به رخ کشیدن در امور مادی است و تجمل در عربی به معنای آراستن و آراستگی است و در این دو زبان معانی و کاربردهای متفاوتی دارد.

این واژه تنها در روایات به کار رفته است و بسامد قرآنی ندارد.

انواع آراستگی در قرآن و روایات با تأکید بر واژه «تجمل» در روایات

آیاتی که به آراستگی اشاره دارد و روایاتی که با واژه «تجمل» آن مضامین را تأکید می‌کند بیان می‌شود:

۱. آراستگی ظاهری

ابزار زینت و آراستگی ظاهری

قرآن ابزار زینت و آراستگی ظاهری در انسان را این‌گونه معرفی می‌کند:

الف) مال و فرزند

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا» (مال و پسران زیور زندگی دنیایند، و نیکیهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است) (کهف/۴۶)

این زینت اختصاص به دنیا داشته و تنها زمانی برای انسان مال و ثروت می‌تواند زینت واقعی و حقیقی به شمار آید که شخص از مال و فرزند خویش باقیات صالحاتی را به جا گذارد و از آن در کارهای خدایی بهره جوید تا ذخیره آخرت وی شود.

ب) چهارپایان

اینها به عنوان زینت سوارکاری و نیز زینت مردان مطرح شده است. «رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالطِّبْنِ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَمِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبِئِ» (دوستی خواستنهای [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسبهای نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمع زندگی دنیاست، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست) (آل عمران/۱۴) و «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ * وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ * وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ * وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (و چهارپایان را برای شما آفرید: در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است، و از آنها می‌خورید * و در آنها برای شما زیبایی است، آن گاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید، و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می‌برید * و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدنها بدان نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است * و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد]، و آنچه را نمی‌دانید می‌آفرین) (نحل/۵-۸).

ج) کشاورزی، زر و نقره

در (آل عمران/۱۴) بیان شده است. در آیات بسیاری به مباحثی درباره زیور ابزارهای آرایشی چون مساله استخراج آن از کوه و دریا، «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا...» (و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید، و پیرایه‌ای

که آن را می‌پوشید از آن بیرون آورید...» (نحل/۱۴) و «وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيئَةً تَلْبَسُونَهَا» (و زیوری که آن را بر خود می‌پوشید بیرون می‌آورید) (فاطر/۱۲) اشاره شده است.

(د) لباس

«يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا...» (ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زیتنی است...» (اعراف/۲۶).

ای فرزندان آدم، ما لباسی بر شما فرو فرستادیم، که اندام شما را می‌پوشاند و زشتیهای بدنتان را پنهان می‌سازد. ولی فایده این لباس که برای شما فرستاده‌ایم، تنها پوشانیدن تن و مستور ساختن زشتیها نیست بلکه لباس تجمل و زینت که اندام شما را زیباتر از آنچه هست نشان می‌دهد، برای شما نیز فرستاده‌ایم (و ریشاً). «ریش» در اصل واژه عربی، به معنی پره‌های پرندگان است و از آنجا که پره‌های پرندگان لباسی طبیعی در اندام آنها است، به هر گونه لباس، نیز گفته می‌شود، ولی چون پره‌های پرندگان غالباً به رنگ‌های مختلف و زیبا است، یک نوع مفهوم زینت در معنی کلمه «ریش» افتاده است. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۳۱-۱۳۲).

در روایات هم لباس به عنوان زینت و ابزار آراستن ذکر شده است:

- در دعا برای پوشیدن لباس جدید امام علی (ع) فرمودند: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ ع قَالَ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا لَبِسْتُ ثَوْبًا جَدِيدًا أَنْ أَقُولَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الرِّيشِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَهٍ أَسْعَى فِيهَا بِمَرَضَاتِكَ وَأَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَتَمَّصْهُ حَتَّى يُعْفَرَ لَهُ. (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۶؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۸۰ش، ص ۷۵؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۰۱؛ ر.ک: حسینی حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۵): رسول خدا (ص) بمن آموخت که چون جامه نوی پوشم گویم حمد خدا را که زیوری بر من پوشانید و چیزی که در میان مردم مایه تجمل باشد خدایا آن را جامه برکت کن که در آن رضای تو جویم و به‌آبادی مساجدت پویم، زیرا هر که چنین کند آن را نپوشد تا آمرزیده شود. (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۶).

- در دعا برای پوشیدن لباس جدید امام صادق (ع) فرمودند: عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّرَّاجِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ قَطَعَ ثَوْبًا جَدِيدًا ... وَ دَعَا رَبَّهُ وَ قَالَ فِي دُعَائِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مِمَّا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأَوَارَى بِهِ عَوْرَتِي وَأَصْلَى فِيهِ لِرَبِّي وَ حَمِدَ اللَّهُ لَمْ يَزَلْ يَأْكُلُ فِي سَعَةِ حَتَّى يَبْلَى ذَلِكَ الثَّوْبُ. (صدوق، ۱۴۰۰ق، ص ۲۶۷؛ ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۹): هر که جامه نو برد ... و بدرگاه پروردگارش دعا کند و در دعایش گوید حمد خدا را که بمن روزی کرد آنچه را با آن میان مردم آراسته باشم و عورتم بپوشانم و در آن برای پروردگام نماز بخوانم. و حمد خدا کند تا همیشه در وسعت باشد تا زمانی که آن جامه کهنه گردد. (صدوق، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۶ و ۲۶۷).

- در دعا برای پوشیدن لباس جدید آمده است: قَالَ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ فِي خَبَرِ طَوِيلٍ أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ مَعَهُ قَنْبَرُ الْبُرْزَيْنِ ... وَ قَالَ لِعَلَامِهِ قَنْبَرٍ اخْتَرِ الثَّوْبَيْنِ فَاخْتَارَ الَّذِي بَارِبَعَهُ وَ كَيْسَ هُوَ الَّذِي بِنَلَاتِهِ وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَوَارَى بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي خَلْقِهِ ... (ابن فتال، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۷؛ طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۱۱ و ۱۱۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ۱۶۴): اصبغ بن نباته ضمن خبری طولانی می‌گوید: امیر المؤمنین علی (ع) همراه قنبر به بازار پارچه فروشان آمد ... و به غلام خود قنبر فرمود: یکی از این دو جامه را برای خودت بردار و او آن را که چهار درهم ارزش داشت برداشت و علی (ع) پیراهنی را که سه درهم بود پوشید و گفت: خدا را شکر که جامه‌ای به من عنایت فرمود تا برهنگی خویش را بپوشم و میان خلق او آراسته باشم... (ابن فتال نیشابوری، ۱۳۶۶ش، ص ۱۸۳).

- در کیفیت لباس پوشیدن پیامبر اکرم (ص) آمده است: وَ كَانَ صَ إِذَا لَبَسَ ثَوْبًا جَدِيدًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا يُوَارِي عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَ كَانَ إِذَا نَزَعَهُ نَزَعَ مِنْ مَيَاسِرِهِ أَوْلًا وَ كَانَ مِنْ أَفْعَالِهِ صَ إِذَا لَبَسَ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ حَمِدَ اللَّهُ ثُمَّ يَدْعُو مَسْكِينًا فَيُعْطِيهِ الْقَدِيمَ ثُمَّ يَقُولُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَكْسُو مُسْلِمًا مِنْ شَمَلِ ثِيَابِهِ لَأ يَكْسُوهُ إِلَّا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حِرْزِهِ وَ خَيْرِهِ وَ أَمَانِهِ حَيًّا وَ مَيِّتًا. (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۳۶): وقتی لباس نو می‌پوشید می‌فرمود: «سپاس خداوندی را که بمن لباس داد که عورت خود را بپوشم و خود را در بین مردم بآن بیاریم». و وقت در آوردن لباس اول طرف چپ را بیرون می‌آورد، و از کارهای حضرت وقت پوشیدن لباس نو این بود که خدا را حمد می‌کرد و بعد فقیری را می‌خواست و لباس کهنه را به او می‌داد و

می‌فرمود: هیچ مسلمانی مسلمان دیگر را از لباس خود نپوشاند جز آنکه در این دنیا و بعد از مرگ در پناه و نگهداری و خیر و امان خداوند عز و جل می‌باشد. (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۷۱).

- امام صادق (ع) در دعایی هنگام لباس پوشیدن فرمودند: عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي ثَوْبٍ يَلْبَسُهُ ... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۹).

- امام باقر (ع) در دعایی هنگام لباس پوشیدن فرمودند: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَلْبَسُ الثَّوْبَ الْجَدِيدَ فَقَالَ ع يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ ... الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۹).

آیه‌ای دیگر

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...» (ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی بگیرید...) (اعراف/۳۱)

ممکن است آیه بیانگر این باشد که مال و فرزند خود را هنگام رفتن به مسجد همراه داشته باشید، تا با مال، به حل مشکلات اقتصادی مسلمین بپردازید و با حضور فرزند در مساجد و جماعات، مشکلات تربیتی نسل آینده را حل کنید. در روایات، امام جماعت عادل، آراستگی ظاهر، عطر زدن و لباس زیبا پوشیدن به هنگام نماز، بلند کردن دستان به هنگام رکوع و سجود در نماز، شرکت در نماز عید و نماز جمعه، از جمله مصادیق زینت شمرده شده‌اند. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۴، ص ۵۲).

این جمله می‌تواند هم اشاره به «زینت‌های جسمانی» باشد که شامل پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود، و هم شامل «زینت‌های معنوی»، یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص. و اگر می‌بینیم در روایات مصادیق‌های مختلفی آمده‌است، دلیل بر وسعت مفهوم آیه است که همه زینت‌های ظاهری و باطنی را در بر می‌گیرد. گرچه این حکم مربوط به تمام فرزندان آدم در هر زمان است، ولی ضمناً نکوهشی است از عمل زشت جمعی از اعراب در زمان جاهلیت که به هنگام آمدن به مسجد الحرام و طواف خانه خدا کاملاً عریان و برهنه می‌شدند، و هم اندرزی است به آنها که به هنگام نماز و یا رفتن به مساجد لباس‌های کثیف و مندرس و یا لباس‌های مخصوص منزل را در تن می‌کنند و در مراسم

عبادت خدا به همان هیئت شرکت می‌نمایند، که متاسفانه هم اکنون نیز در میان جمعی از بی‌خبران مسلمانان معمول و متداول است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۴۸).

توصیه به پوشش بهترین لباس

- امام حسن (ع) در نماز چنین بود: كان الحسن بن عليّ عليهما السلام اذا قام الى الصلوة لبس اجود ثيابه، فقيل له يا ابن رسول الله تلبس اجود ثيابك فقال ان الله جميل يحب الجمال فاتجمل لربّي و هو يقول خذوا زينتكم عند كل مسجدا: حضرت مجتبی (ع) بهترین جامه‌های خود را در موقع نماز در بر میکرد، کسانی از آن حضرت سبب این کار را پرسش کردند، در جواب فرمود: خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد به این جهت خود را در پیشگاه الهی زینت می‌کنم، خداوند امر فرموده که با زینت‌های خود در مساجد حاضر شوید. (فلسفی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۲۵).

هدف آراستن، مخصوصا استفاده از زینت‌ها در مسجد موجب جلب رضایت الهی و نشان دادن زیبایی در اسلام است که باعث جذب مردم می‌شود نه آنکه بعضی اوقات مشاهده می‌کنیم که مردم یا بدترین لباس‌های‌شان و بدون پاکیزگی و حمام نرفتن و ژولیدگی وارد مساجد می‌شوند و این کار مخصوصا کودکان را دلزده می‌کند.

در روایات دیگری هم به داشتن آراستگی ظاهری توصیه شده است:

- امام صادق (ع) در مورد زیبایی و آراستگی فرموده‌اند: عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ الْمُخَالِمِيِّ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ النَّبَؤْسَ». (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۴۳). این حدیث به صورت کامل هم آمده است: مِنْ أَمَلِي الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ قَالَ الصَّادِقُ ع: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ النَّبَؤْسَ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا نَعِمَ عَلَيَّ عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبُّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا قَبْلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنْظَفُ ثَوْبُهُ وَ يُطَيَّبُ رِيحُهُ وَ يُجَصِّصُ دَارُهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيَّتَهُ حَتَّىٰ إِنَّ السَّرَّاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ». (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۴۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۷؛ حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۶، ص ۲۱۶): خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد، و نکبت و بد حالی را مکروه دارد، و خداوند متعال دوست دارد که وقتی نعمتی به بنده‌اش ارزانی

می‌کند اثر آن را بر او ببیند، پرسیدند چگونه؟ حضرت فرمود: لباسش را تمیز نگهدارد و خود را خوشبو سازد و خانه‌اش را سفید و گچکاری نماید و صحن خانه‌اش را بروید، حتی آنکه چراغ افروختن پیش از غروب آفتاب فقر را بر طرف می‌کند و بر روزی می‌افزاید. (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۸۰). إرشاد القلوب و بحار الانوار همین حدیث را با تغییر کلمه «یجصص» به «یحسن» آورده‌اند. (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۹۵؛ ر.ک: مجلسی، ج ۷۳، ص ۱۴۱).

خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و کثافت و تمیز نبودن را دوست ندارد و این باید در بدن، لباس، خانه و ... نمایان شود.

- امیرالمومنین (ع) در وصیتی به کمیل می‌فرمایند: «... يَا كَمِيلُ إِنَّ أَحَبَّ مَا أَمْتَلَهُ الْعِبَادَةُ إِلَى اللَّهِ - بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِهِ وَبِأَوْلِيَائِهِ عِ التَّجْمَلُ وَالتَّعَفُّفُ وَالِاصْطِبَارُ...». (مجلسی، ج ۷۴، ص ۲۷۱) : ای کمیل دو سه چیز است که بندگان پس از اقرار بخدا و اولیائش انجام میدهند خود را زینت کردن و پاکدامنی و شکیبائی. (رضائی، ۱۳۶۴ش، ص ۲۸۲).

انسان مومن، خلیفه خدا و آینه جمال الهی روی زمین است، پس یکی از کارهایی که بعد از اقرار به اسلام باید انجام دهد همین آراستگی است زیرا که خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

- امیر المومنین (ع): التَّجْمَلُ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ: زینت کردن (آراستگی) از خصلت‌های مؤمنان است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۴۳۵؛ حکیمی، ۱۳۸۰ش، ج ۶، ص ۲۱۴؛ خوانساری، ۱۱۲۲ق، ج ۱، ص ۳۰۷).

- التَّجْمَلُ [التَّحْمَلُ] مُرْوَةٌ ظَاهِرَةٌ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۴۳۵): تجمل مروتی است ظاهر، «تجمل» بمعنی زینت کردن است و «مروت» بمعنی مردی و آدمیت و انسانیت. مراد یا مدح زینت کردن است و این که از جمله آدمیت ظاهرست و یا این که زینت کردن و آراستن خود این است که این کس را مروتی باشد آشکار که آثار آنرا مردم مشاهده کنند یعنی آن بآراستن و زینت دادن خود به لباس‌های فاخره و تزیین به اسباب مجلس و خانه و مانند آنها نمی‌شود بلکه به کسب اموری چند باشد که نشان مردی و آدمیت این کس باشد از فضایل و کمالات و حسن اخلاق و افعال. (خوانساری، ۱۱۲۲ق، ج ۱، ص ۸۵و۸۶).

یکی از خصلت‌های مومنان و آداب معاشرت با یکدیگر، آرایش و تجمل است که نشانه‌ی ظاهری مردانگی می‌باشد یعنی از اسراف به دور و حلال است.

- در نگاه کردن پیامبر اکرم (ص) به آینه آمده است: وَ كَانَ صَ يَنْظُرُ فِي الْمِرْأَةِ وَ يُرَجِلُ جُمَّتَهُ وَ يَتَمَسَّطُ وَ رُبَّمَا نَظَرَ فِي الْمَاءِ وَ سَوَى جُمَّتِهِ فِيهِ وَ لَقَدْ كَانَ يَتَجَمَّلُ لِأَصْحَابِهِ فَضُلًّا عَنِ تَجَمُّلِهِ لِأَهْلِهِ. وَ قَالَ ذَلِكَ لِعَائِشَةَ حِينَ رَأَتْهُ يَنْظُرُ فِي رَكْوَةٍ فِيهَا مَاءٌ فِي حُجْرَتِهَا وَ يُسَوِّي فِيهَا جُمَّتَهُ وَ هُوَ يَخْرُجُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَتْ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي تَتَمَرَّأُ فِي الرِّكْوَةِ وَ تُسَوِّي جُمَّتَكَ وَ أَنْتَ النَّبِيُّ وَ خَيْرُ خَلْقِهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلُ. (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۳۵): پیغمبر(ص) در آینه نگاه می‌کرد و موهای سرش را منظم می‌نمود و شانه می‌زد و گاه در آب نگاه می‌نمود و موهایش را مرتب می‌فرمود، پیغمبر برای اصحاب خود نیز خود را آراسته می‌کرد، تا چه رسد به اهل خود، و این مطلب را به عایشه گوش‌زد کرد، وقتی عایشه دید حضرت در ظرف آبی که در منزل بود نگاه می‌کند و موی خود را منظم می‌نماید تا به نزد اصحاب بیرون رود، گفت پدر و مادرم فدایت در آب نگاه میکنی و زلفت را منظم می‌سازی در حالی که تو یک پیامبری و بهترین خلق خدایی؟ پیامبر(ص) فرمود خداوند دوست دارد که بنده چون به سوی برادران خود بیرون می‌رود خود را برای آنها منظم کند و خود را بیاراید و زیبا سازد. (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۶۸).

ویژگی‌های آراستگی ظاهری

در قرآن به حلال و طیب بودن تمام موارد مصرفی از جمله زینت‌ها و اسراف نکردن در استفاده از زینت‌ها و انفاق دوست‌داشتنی‌ها از جمله زینت‌ها اشاره شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمُ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست) (بقره/۱۶۸)، میتوانیم امر (کلوا= بخورید) در آیه مورد بحث را هم حمل بر این معنای وسیع کنیم، برای اینکه مطلق است (هم با معنای خوردن می‌سازد، و هم با مطلق تصرفات) و در این صورت معنای آیه این می‌شود که از آنچه خدا از نعمت‌های خود در زمین آفریده و در اختیار شما قرار داده بخورید و در آن تصرف کنید که هم حلال و هم طیب است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۶۳۳).

«وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید) (مائده/۸۸)،

استعمال «اکل» در مطلق تصرف، استعمالی است شایع و متداول. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۶۲).

«یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجّد و کلّوا و اشربوا و لا تسرفوا إنّه لا یحبّ المُسرفین» (ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی بگیرید، و بخورید و بیاشامید و زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد) (اعراف/۳۱)، چون طبع زیاده طلب انسان، ممکن است از این دو دستور سوء استفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و اعتدال‌آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد، بلافاصله اضافه می‌کند «ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۴۹).

«لَنْ تَأَلُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست) (آل عمران/۹۲)

در روایات هم به همین مضامین اشاره شده است:

- درباره‌ی لباس پوشیدن در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يُوْسُفَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ عَلِيٍّ جُبَّةُ خَزٍّ وَ طَبْلَسَانَ خَزٍّ فَظَنَرْتُ إِلَيَّ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَلِيٌّ جُبَّةُ خَزٍّ وَ طَبْلَسَانَ خَزٍّ فَمَا تَقُولُ فِيهِ فَقَالَ وَ مَا بَأْسٌ بِالْخَزِّ قُلْتُ وَ سَدَاهُ إِبْرِيْسَمَ قَالَ وَ مَا بَأْسٌ بِإِبْرِيْسَمَ فَقَدْ أُصِيبَ الْحُسَيْنُ ع وَ عَلَيْهِ جُبَّةُ خَزٍّ ثُمَّ قَالَ إِنْ عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ لَمَّا بَعَثَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى الْخَوَارِجِ فَوَاقَفَهُمْ لَبَسَ أَفْضَلَ ثِيَابِهِ وَ تَطَيَّبَ بِأَفْضَلِ طِيْبِهِ وَ رَكِبَ أَفْضَلَ مَرَاكِبِهِ فَخَرَجَ فَوَاقَفَهُمْ فَقَالُوا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ بَيْنَا أَنْتَ أَفْضَلُ النَّاسِ إِذَا أَتَيْتَنَا فِي لِبَاسِ الْجَبَابِرَةِ وَ مَرَاكِبِهِمْ فَتَلَّا عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ فَالْبَسْ وَ تَجَمَّلْ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لَيْكُنْ مِنْ حَلَّالٍ. (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۶، ص ۴۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۶): و بسندش از یوسف بن ابراهیم که نزد امام ششم علیه السلام رفتم و جبه و روپوش خز بر تن داشت گفتم: قربانت این خز است در باره آن چه گویی؟ فرمود: خز باکی ندارد گفتم پودش ابریشم است. فرمود: باکی ندارد حسین علیه السلام را که کشتند جبه خز بر تن داشت سپس فرمود: چون عبد الله بن عباس را امیر المؤمنین علیه السلام نزد خوارج فرستاد بهترین جامه‌اش را پوشید و عطر بهتری زد و به بهترین مرکب سوار شد

و نزد آنها رفت، گفتند: ای پسر عباس تو که بهتر مردمی در جامه و مرکب جباران نزد ما آمدی؟ این آیه را خواند «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ - تا آخر آیه» بیوش و خوش بیوش که خدا جمیل است جمال را دوست دارد و باید از حلال باشد. (کمره‌ای، ۱۳۵۱ش، ج ۹، ص ۳۲).

- در کیفیت لباس پوشیدن در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ الْمُوسِرِ الْمُتَجَمِّلِ يَتَّخِذُ الثِّيَابَ الْكَثِيرَةَ الْجِيَابَ وَالطَّيَالِسَةَ وَ لَهَا عُدَّةٌ وَ الْقُمْصَ يَصُونُ بَعْضَهَا بِبَعْضٍ وَ يَتَّجَمِّلُ بِهَا أَيْ يَكُونُ مُسْرِفًا قَالَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ. (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۶): اسحاق بن عمار گوید: از امام در باره مردی که مالدار است، و تجمل دارد، و لباس‌های بسیار، جبه‌ها و طیلسان‌ها و قمیص‌ها می‌پوشد و بدان‌ها خود را می‌آراید، آیا این مرد مسرف است؟ فرمود: «هر کس که زندگیش وسعت دارد بقدر توانایی خرج کند» (سوره طلاق آیه ۷). (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۱۸۲).

- امام رضا (ع) در آداب لباس پوشیدن می‌فرماید: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرُّضَّاعِ قَالَ قَالَ أَبِي مَا تَقُولُ فِي اللَّبَاسِ الْحَسَنِ فَقُلْتُ بَلَّغْنِي أَنَّ الْحَسَنَ عَ كَانَ يَلْبَسُ وَ أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَ كَانَ يَأْخُذُ الثُّوبَ الْجَدِيدَ فَيَأْمُرُ بِهِ فَيُعْمَسُ فِي الْمَاءِ فَقَالَ لِي الْبَسُ وَ تَجَمَّلُ فَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَ كَانَ يَلْبَسُ الْجُبَّةَ الْخَزَّ بِخَمْسِمَائَةِ دِرْهَمٍ وَ الْمِطْرَفَ الْخَزَّ بِخَمْسِينَ دِينَارًا فَيَشْتُو فِيهِ فَإِذَا خَرَجَ الشِّتَاءُ بَاعَهُ فَتَصَدَّقَ بِمَنْبِهِ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (حرر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۷؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۶۰): پدرم می‌گفت: نظر شما در باره لباس زیبا چیست؟ گفتم: در اخبار رسیده که حسن علیه السلام لباس‌های زیبا می‌پوشید، و جعفر ابن محمد علیهما السلام لباس‌های تازه می‌خرید و در آب فرو می‌برد و سپس در بر می‌کرد، و به من می‌گفت تو هم بیوش و خود را نو کن. زیرا علی بن الحسین علیهما السلام جبه‌های خز را پانصد درهم می‌خرید و در برمی‌کرد، و مطرف خز را پنجاه درهم خریداری می‌کرد و زمستان می‌پوشید و بعد آن را می‌فروخت و به فقراء انفاق می‌نمود و می‌فرمود «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ». (عطاردی، ۱۳۹۷ق، ص ۷۳۱).

پس باید این آراستگی از حلال و متناسب با شرایط زمانه و به دور از اسراف باشد و نباید با یک-بار استفاده کردن دور انداخته شود و می‌تواند انفاق شود.

قرآن کریم به آراستگی ظاهری فقراء نیز توصیه کرده‌است:

«لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْضِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» ([این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است) (بقره/۲۷۳)

واژه تعفف مفید این مهم است که فقیران به خاطر عزت نفس و طبع بلند چنان خود نگهدارند که دیگران در فقر آنان تردید می‌کنند. آنان صورت خود را با سیلی گلگون نمایش می‌دهند و از پوشش لباس ژنده و آزار دهنده پرهیز می‌کنند.

روایات زیر این مضمون را بیشتر روشن می‌کنند:

- در وسائل الشیعه در باب استحباب دادن زکات انعام به فقراى متجمل یعنی کسانی که ظاهرشان را حفظ می‌کنند و دادن زکات نقدی و غلات به فقراى ناتوان و بیچاره آمده‌است: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ الْمُفِيدِ فِي الْمُقْنَعَةِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَبَّيْهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ تُعْطَى صَدَقَةُ الْأَنْعَامِ لِذَوِي التَّجْمَلِ مِنَ الْفُقَرَاءِ لِأَنَّهَا أَرْفَعُ مِنْ صَدَقَاتِ الْأَمْوَالِ وَإِنْ كَانَ جَمِيعُهَا صَدَقَةً وَزَكَاةً وَ لَكِنْ أَهْلُ التَّجْمَلِ يَسْتَحْتَجُونَ أَنْ يَأْخُذُوا صَدَقَاتِ الْأَمْوَالِ. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۲۶۴).

- امیر المومنین (ع) در یکی از موعظه‌های‌شان می‌فرمایند: «... وَ التَّجْمَلُ اجْتِنَابُ الْمَسْكَنَةِ...» (حرّانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۵؛ مجلسی، ج ۷۵، ص ۵۴): خودآراستن فرار از بیچارگی است. (خسروی، ۱۳۶۴ش، ص ۵۰).

- در باب مذمت منع از عطا کردن آمده‌است: امام علی (ع): إِذَا قَلَّ أَهْلُ الْفَضْلِ هَلَكَ أَهْلُ التَّجْمَلِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۳۸۰): هرگاه کم شوند اهل فضل یعنی اهل بخشش و دهش هلاک

می‌شوند اهل تجمل، یعنی اهل زینت و آرایش. (خوانساری، ۱۳۲۲ق، ج ۳، ص ۱۹۲). منظور فقیران متجمل است که اگر اهل فضل کم شوند آن‌ها هم دیگر نمی‌توانند دوام بیاورند.

- امام صادق (ع) یکی از نشانه‌های مومن را تَجَمُّلٌ گفته‌اند: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ... وَ تَجَمُّلٌ فِي فِائِقَةٍ وَ... (کلینی، ۱۳۶۵ش. ج ۲. ص ۲۳۱؛ ر.ک: صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۵۷۱): مؤمن دارای نیرو است در دین داری، و ...، و تجمل در نداری و... (کلینی، ۱۳۷۵ش. ج ۵. ص ۲۷).

- امام علی (ع) یکی از نشانه‌های متقین را در خطبه‌های همام، تجمل معرفی کرده‌اند: فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ... وَ خُشُوعًا فِي عِبَادَةِ وَ تَجَمُّلًا فِي فِائِقَةٍ وَ... (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خ ۱۹۳، ص ۳۰۳-۳۰۶).

۲. آراستگی بدنی

در مقدمه به نیرومندی به عنوان آراستگی بدنی اشاره کردیم ولی آیه زیر به زیبایی چهره به عنوان مصداق دوم آراستگی بدنی که روایات تجمل هم موکد آن هستند، اشاره دارد:

«وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَ لَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ...» (و با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد...) (بقره/۲۲۱)

کنیز با ایمان از زن آزاد بت‌پرست بهتر است، هر چند زیبایی او شما را به اعجاب وادارد. چرا که هدف از ازدواج، تنها کامجویی جنسی نیست، زن شریک عمر انسان و مربی فرزندان او است و نیمی از شخصیت او را تشکیل می‌دهد، با این حال چگونه می‌توان شرک و عواقب شوم آن را با زیبایی ظاهری و مقداری مال و ثروت، مبادله کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۳۲).

در روایات به زیبایی راه حل زیبا کردن فرزندان ذکر شده تا نسل بعد مومنان با همسران زیبای مومن ازدواج کنند و زیبایی بت‌پرستان آنان را نفریید:

- امام صادق (ع) فرموده‌اند: أَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ التَّمْرَ الْبُرْنِيَّ فِي نَفْسِهِنَّ تُجَمَّلُوا أَوْلَادَكُمْ (طبرسی، ۱۳۷۰ش، ص ۱۶۹): زنانان را در حاملگی خرما بدهید تا فرزندانان خوشگل شوند. (طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۲۱).

زیبایی و آرایش ظاهری به جهت جاذبه‌ای که دارد، می‌تواند با استخدام ذوق و شهود و احساس زیبایی ما، حقیقت و واقعیت و اندیشه و تعقل درباره آن دو را از دست ما بگیرد، پس دستور به زیبا کردن مومنین حکمت‌های زیادی در خود دارد که یکی از آنان آرامش روحی مومنین در زندگی با همدیگر و قدرت بر سلطه بر افکار دیگران و تبلیغ دین اسلام است و این کار باعث زیاد شدن مومنین زیبارو می‌شود زیرا که مشرکان زیبارویی هستند که قلب و ذهن مسلمانان را تصاحب می‌کنند و خداوند در آیه بالا همین را هشدار می‌دهد.

۳. زیبایی باطنی و نفسانی

در آیات قرآن کریم ایمان و تقوا به عنوان زیبایی باطنی در انسان معرفی شده‌اند:

«... وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (... لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگانند) (حجرات/۷)

این تعبیرات اشاره لطیفی است به قانون «لطف» آنها «لطف تکوینی». وقتی شخص حکیم کاری را می‌خواهد تحقق بخشد زمینه‌های آن را از هر نظر فراهم می‌سازد، این اصل در مورد هدایت انسان‌ها نیز کاملاً صادق است. خدا می‌خواهد همه انسان‌ها با میل و اراده خود راه حق را بپویند، لذا از یک سو ارسال رسل می‌کند، و انبیاء را با کتاب‌های آسمانی می‌فرستد، و از سوی دیگر «ایمان» را محبوب انسان‌ها قرار می‌دهد و آن را در دل‌ها زینت می‌بخشد، آتش عشق حق‌طلبی و حق‌جویی را در درون جان‌ها شعله‌ور می‌سازد، و احساس نفرت و بیزاری از کفر و ظلم و نفاق و گناه را در دل‌ها می‌آفریند. و به این ترتیب هر انسانی فطرتاً خواهان ایمان و پاکی و تقوا است و بیزار از کفر و گناه. ولی کاملاً ممکن است در مراحل بعد این آب زلالی که از آسمان خلقت در وجود انسان‌ها ریخته شده، بر اثر تماس با محیط‌های آلوده، صفای خود را از دست دهد، و بوی نفرت‌انگیز گناه و کفر و عصیان گیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۱۵۹).

«وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» (و [لی] بهترین جامه، [لباس] تقوا است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند) (اعراف/۲۶).

به دنبال این جمله که درباره لباس ظاهری سخن گفته است، می‌گوید: «لباس پرهیزکاری و تقوا از آن هم بهتر است». تشبیه تقوی و پرهیزکاری به لباس، تشبیه بسیار رسا و گویایی است، زیرا همانطور که لباس هم بدن انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند، و هم سپری است در برابر بسیاری از خطرها، و هم عیوب جسمانی را می‌پوشاند و هم زینتی است برای انسان، روح تقوی و پرهیزکاری نیز علاوه بر پوشانیدن بشر از زشتی گناهان و حفظ از بسیاری از خطرات فردی و اجتماعی، زینت بسیار بزرگی برای او محسوب می‌شود. زینتی است چشم‌گیر که بر شخصیت او می‌افزاید. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۳۲-۱۳۵).

روایت زیر، به مصادیق ایمان که زینت و آراستگی قلب انسان است، اشاره دارد:

پیامبر اکرم (ص): «علیک بحسن الخلق و طول الصّمت فو الّذی نفسی بیده ما تجمل الخلائق بمثلهما: نیک‌خوئی کن و خموشی طولانی‌گزین، قسم بخدائی که جان من بدست اوست خلائق زینتی مانند آن ندارند». (پاینده، ۱۳۸۲ش، ص ۵۷۰).

نتیجه

خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و انسان مومن، خلیفه خدا و آینه جمال الهی روی زمین است، پس یکی از گرایش‌ها در انسان، گرایش به جمال و تجمل است. با جمع آوری آیات در موضوع آراستگی و روایاتی که لفظ «تجمل» و مشتقاتش در آن‌ها به کار رفته‌اند، به این نتیجه رسیده‌ایم که آراستگی در انسان به سه نوع ظاهری، بدنی و باطنی تقسیم می‌شود که باید در به دست آوردن هر سه با پرهیز از تبعات منفی آنها کوشا بود.

مصادیق آراستگی ظاهری، لباس پوشیدن و لباس زیبا پوشیدن، استفاده از انگشتری مثل خاتم، حمام کردن، استفاده از فرش‌های نقش‌دار بدون نخوت و تکبر، خضاب کردن، چیدن ناخن‌ها، استعمال بوهای خوش، وسعت منزل با شرایطی، سرمه کشیدن، مسواک زدن، شانه کردن مو، کوتاه کردن موی سر و بدن و نگهداری حیوانات در منزل است. آنچه در اسلام از آن نهی شده است،

تجمل‌گرایی افراطی و تجمل‌پرستی (اصطلاحی در فارسی) است که در قرآن و روایات با الفاظ «اسراف»، «تبدیر»، «اتراف» به کار رفته‌اند. این آراستگی با تجمل‌گرایی افراطی کاملاً متفاوت است و اسلام در مورد استفاده از انواع زینت‌ها، حد، اعتدال و میانه روی را انتخاب کرده‌است و استفاده از لباس‌های زیبا و متناسب، به کار بردن انواع عطرها و بوهای خوش را نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به آن مخصوصاً در عبادات توصیه و سفارش نیز شده‌است که باعث جذب مردم و نشان دادن زیبایی در اسلام است و این آراستگی‌ها باید حلال و متناسب با شرایط زمانه و به دور از اسراف باشد و نباید با یکبار استفاده کردن دور انداخته شود. اسلام به تنگ‌دستان و فقراء توصیه می‌کند، زبان به شکایت نگشوده و خویش‌دار باشند و عزت نفس خود را حفظ کنند و به مردم، نیاز خود را اظهار نکنند، بلکه برعکس با خود آراستن، چنان وانمود کنند که غنی و بی‌نیازند و این حالت از قناعت و رضا، از تقدیر الهی نشأت گرفته و گویای همت والای آن‌هاست. در عصر ما با وجود پیشرفت بسیار علم و تمدن هنوز برخی از زوایای دینمان برای پیروانش ناشناخته مانده و افرادی از روی ناآگاهی و به گمان اینکه در دین اسلام دستوراتی در زمینه آراستگی ظاهر وجود ندارد به دنبال الگوهای فاسد و مدهای عجیب غربی می‌روند. از آن جا که دین مقدس اسلام بر اساس فطرت الهی بنا شده‌است، با نگاه به روایات اهل بیت (ع) در این مورد متوجه می‌شویم که اسلام بر امر آراستگی ارزش بسیاری قائل شده و به پیروانش دستور می‌دهد که خود را همواره پاکیزه نگاه دارند و به ویژه در برخورد با دیگران، در این امر دقت بیشتری داشته باشند.

مصادیق آراستگی بدنی، زیبایی صورت، نیرومندی، بلندی قامت و... است. اسلام با توصیه به خوردن بعضی مواد غذایی مثل خرما، بر این زیبایی بدنی تأکید می‌کند. مصادیق آراستگی باطنی، ایمان و تقوا - زینت قلب - است که از همه بالاتر است ولی این زیبایی بدون زیبایی ظاهری و آراستن مورد پسند خداوند نیست.

پس دیدگاه اسلام در مورد تجمل و زینت نه مانند بعضی که می‌پندارند استفاده از زینت‌ها و تجملات هر چند به صورت معتدل بوده باشد، مخالف زهد و پارسائی است و نه مانند تجمل پرستانی که غرق در زینت و تجمل می‌شوند و تن به هر گونه عمل نادرستی برای رسیدن به این عمل نامقدس می‌دهند. و استفاده از مواهب الهی نباید غایت و هدف بشر گردد، و نباید به جهت فخرفروشی باشد چراکه فخر فروشی از آفات بزرگ اخلاقی است و موجب خسران در قیامت است.

منابع

- القرآن الکریم. تهران: پیام آزادی. چاپ دوم: ۱۳۸۴ش.
۱. ابن قتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۳۶۶ش)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
 ۲. _____ (بی تا)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی، چاپ اول.
 ۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ اول.
 ۴. اربلی، علی بن عیسی بن ابی الفتح (۱۳۸۱ق)، کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول.
 ۵. اکبری، نعمت‌الله (زمستان ۷۳)، نقش اندیشه دینی در فرایند توسعه، نشریه علمی خبری دانشگاه شاهد.
 ۶. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۰ش)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی، چاپ سیزدهم.
 ۷. آشوری، داریوش (۱۳۵۷ش)، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
 ۸. پاینده، ابو القاسم (۱۳۸۲ش)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
 ۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد (۱۳۶۶ش)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات، چاپ اول.
 ۱۰. جرّ، خلیل. فرهنگ لاروس. ترجمه حمید طیبیان. تهران: امیرکبیر. چاپ ششم.
 ۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت.
 ۱۲. خرائی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ص، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
 ۱۳. حسینی حلی، سید ابن طاووس (۱۴۰۹ق)، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، قم: آل‌البیت، چاپ اول.
 ۱۴. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی (۱۳۸۰ش)، الحیافه، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۵. خسروی، موسی (۱۳۶۴ش)، مواظب امامان علیهم السلام (ترجمه جلد هفدهم بحارالانوار)، تهران: اسلامیه، چاپ اول.
 ۱۶. خوانساری، آقا جمال الدین، (۱۱۲۲ق)، شرح غرر الحکم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
 ۱۷. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه‌ی دهخدا. تهران: انتشارات و دانشگاه تهران. چاپ دوم.
 ۱۸. دیلمی، حسن (۱۳۴۹ش)، إرشاد القلوب إلى الصواب، ترجمه هدایت الله مسترحمی، تهران: مصطفوی، چاپ سوم.
 ۱۹. _____ (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: شریف رضی، چاپ اول.
 ۲۰. رضائی، عبد الحسین (۱۳۶۴ش)، کتاب الروضه در مبانی اخلاق، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
 ۲۱. سید رضی، محمد بن حسین موسوی (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، قم: هجرت، چاپ اول.

۲۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۷۶ش)، امالی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامیة، چاپ ششم.
۲۳. _____ (۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۲۴. _____ (۱۴۰۰ق)، امالی، بیروت: اعلمی، چاپ پنجم.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵ش)، مکارم الأخلاق، ترجمه ابراهیم میر باقری، تهران: فراهانی، چاپ دوم.
۲۷. _____ (۱۳۷۰ش)، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چاپ چهارم.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰ش)، الآداب الدینیة للخرائفة المعینیة، ترجمه احمد ابدی، قم: زائر، چاپ اول.
۲۹. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش)، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
۳۰. عطاردی، عزیز الله (۱۳۹۷ق)، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، چاپ اول.
۳۱. عطاردی، عزیز الله (۱۴۰۶ق)، مسند الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: آستان قدس، چاپ اول.
۳۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیة.
۳۳. عمید، حسن. فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۳۴. عیوضی، محمد رحیم (تیر ۱۳۸۶)، فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول، مجله زمانه، شماره ۵۸.
۳۵. فلسفی، محمد تقی (۱۳۶۸ش)، الحدیث (روایات تربیتی)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۶. فولادوند، محمد مهدی. ترجمه قرآن. تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم. تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ اول: ۱۴۱۵ ق.
۳۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۹. _____ (۱۳۷۵ش)، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه، چاپ سوم.
۴۰. کمره‌ای، محمد باقر (۱۳۵۱ش)، آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الانوار)، تهران: اسلامیة، چاپ اول.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
۴۲. نفیسی، علی اکبر. فرهنگ نفیسی. بی جا: کتابفروشی خیام. بی تا.